

شهادت طلبی، تمنای تمدن ساز سیدالشهدای انقلاب

می کوشیده اند. این منافع، گوناگون بوده و شیوه دستیابی به آن ها در هر دوره ای تفاوت داشته است. اما در هر صورت می توان همه آن ها را به دو دسته تقسیم کرد. نخست: منفعی که دستاوردهای مادی آن نصیب فردی می شود که بدست آوردن آن منفعت، به کار و تلاش او بستگی داشته است. دوم: منفعی که دستاوردهای آن به شخصی می رسد که خود مستقیماً برای دستیابی آن منفعت تلاش نکرده است یا آنکه سود آن به گروهی می رسد که یکی از اعضای آن گروه برای دستیابی به منفعت کوشیده است. هر کاری که هدفی بزرگ تر از وجود انجام دهنده آن دارد در دسته دوم قرار می گیرد؛ زیرا معمولاً اهداف بزرگ، با در کنار هم قرار گرفتن مجموعه ای از کار و تلاش در یک گستره زمانی طولانی، محقق می شود.

معمولاً در منافع دسته نخست، انگیزه شخصی، به تنهایی تلاش فرد برای دستیابی به آن منفعت را تضمین می کند؛ زیرا از آنجا که انجام دهنده کار، خود مستقیماً از منفعت آن استفاده می کند، طبیعی است که قصد انجام آن کار و انگیزه کافی برای آن در او به وجود بیاید.

ولی در منافع دسته دوم، انگیزه شخصی به تنهایی نمی تواند تضمین لازم را برای دستیابی به این منافع ایجاد کند؛ زیرا در اینجا منافع فقط از آن انجام دهنده کار نخواهد بود و چه بسا سهم او از تلاش و سختی بسیار بیشتر از بهره ای باشد که از آن منفعت بزرگ به او می رسد. از اینجاست که آدمی به تربیتی نیاز پیدا می کند که به او دگرگرایی بدهد و فراتر رفتن از لذات شخصی در انگیزه راد او به وجود آورد؛ یعنی او را برای کوشش در راه دیگران و در راه اجتماع تربیت کند؛ به دیگر سخن، او را به گونه ای تربیت کند که بتواند برای هدفی بزرگ تر از خود و منافع مادی شخصی انجام دهد تا توانایی ثمر بخشی و از خود گذشتگی داشته باشد و نیت دگرگرای خالص در او ایجاد شود.

این «دگرگرایی» که شهید صدر اعتقاد دارد برای به ثمر نشستن در مسیر تمدن سازی باید به خالص ترین شکل خودش عیان شود را در تعبیر رهبر شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (قدس الله نفسه الزکیه) می توان تنها در ایثار، شهادت طلبی و فرهنگ شهادت جست و جو کرد. رهبر شهید انقلاب با بیان اینکه «اولین موضع گیری شهید، ندیدن و به حساب نیاوردن خود است»، روح در گریبان شهید را برجسته کرده و در همین خصوص می فرماید: «فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه مردم؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است.» (۹۳/۱۱/۲۷)

رهبر شهید انقلاب در بیان دیگری در همین خصوص می فرماید: «شهادت بدین معناست که یک انسان برترین و محبوب ترین سرمایه دنیوی خویش را نثار آرزای سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سود بشریت است.» (۸۱/۰۹/۱۵) این گذر از منفعت شخصی به سود بشری همان نکته ای است که هر شهید با تجارت آن با هستی و جان خود، حرکت به سمت تمدن اسلامی را تضمین و ضمانت می کند.

محسن فاطمی نژاد | شاید عجیب به نظر برسد ولی روحیه شهادت طلبی و تمنای قتل فی سبیل الله که بارها و بارها توسط سیدالشهدای انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (قدس الله نفسه الزکیه) مطرح می شد، نسبت وثیقی با ساخت تمدنی دارد که جمهوری اسلامی در پی ساختن آن بوده و هست. مراجعه به آرا و دیدگاه های رهبر کبیر انقلاب و پس از ایشان رهبر شهیدمان و دیگر متفکران برجسته اسلامی، نشان می دهد چه ارتباط ارگانیکی بین این دو مفهوم وجود دارد و فهم نسبت میان آن دو، تا چه میزان مسیر رسیدن به چنین تمدنی را هموار می کند.

فی المثل شهید سید محمد باقر صدر از متفکرین برجسته معاصر در تبیین لازمه های ساخت تمدن اسلامی از تربیتی سخن می گوید که عالی ترین نوع آن را فقط و فقط در تمنای شهادت و روحیه استشهادی می توان یافت. شهید صدر می نویسد: «در مراحل گوناگون تمدن بشری و در همه دوره های زندگی آدمی، مردم منافع بسیاری داشته اند که برای دستیابی به آن، باید به میزان توانشان



برگ هایی از زندگی «رهبر شهید»

نگاهی مصور به زندگی و زمانه امام خامنه ای (ره)

رهبر شهید ما، بالاخره به آرزوی دیرین خود رسید؛ شهادت، آن هم با دهان روزه و در ماه مبارک رمضان و به دست شقی ترین انسان نماها، موهبتی است که فقط به نورچشمی های خدا عنایت می شود. آنان که افتخار بدست آوردن چنین موهبتی را پیدا می کنند، بی گمان زندگی درخشانی را پشت سر گذاشته اند؛ در یک کلام، کسانی می توانند خوب بمیرند که بتوانند خوب زندگی کنند. زندگی امام خامنه ای (ره)، در همه ابعاد، نمونه بارز یک عالم مسلمان متعهد آگاه به زمانه بود؛ او جز از پروردگارش

نمی ترسید و در حیات طیبه اش، تنها به وعده های بلند آسمانی متوسل بود. سخن گفتن درباره زندگانی رهبر شهید، در این فرصت کوتاه که دل از غم هجران او گداخته و جان از فقد جانگناه او در محنتی عظیم فرو رفته است، ممکن نیست و فرصتی باید تا در آینده بتوان برگ های زرین حیات طیبه وی را ورق زد و از خرمن پربار آن خوشه چید. آنچه در پی می آید، فرازهایی از زندگی و زمانه او است که همراه با تصاویری از ادوار مختلف حیات بابرکت رهبر شهید، به شما عزاداران و سوگواران عزیز تقدیم می شود.

«پدرم روحانی معروفی بود، اما خیلی پارسا و گوشه گیر... زندگی ما به سختی می گذشت. من یادم هست شب هایی اتفاق می افتاد که در منزل ما شام نبود. مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می کرد... آن شام هم نان و کشمش بود... منزل پدری من که در آن متولد شده ام، تا چهار پنج سالگی من، یک خانه ۶۰-۷۰ متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیرزمین تاریک و خفه! هنگامی که برای پدرم میهمان می آمد - و معمولاً پدر بنا بر اینکه روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت - همه ما باید به زیرزمین می رفتیم تا میهمان برود.»



قدیمی ترین عکس از حضرت آیت الله سید علی خامنه ای در یک و نیم سالگی

آبان ماه ۱۳۱۹

www.ghamaneh.com